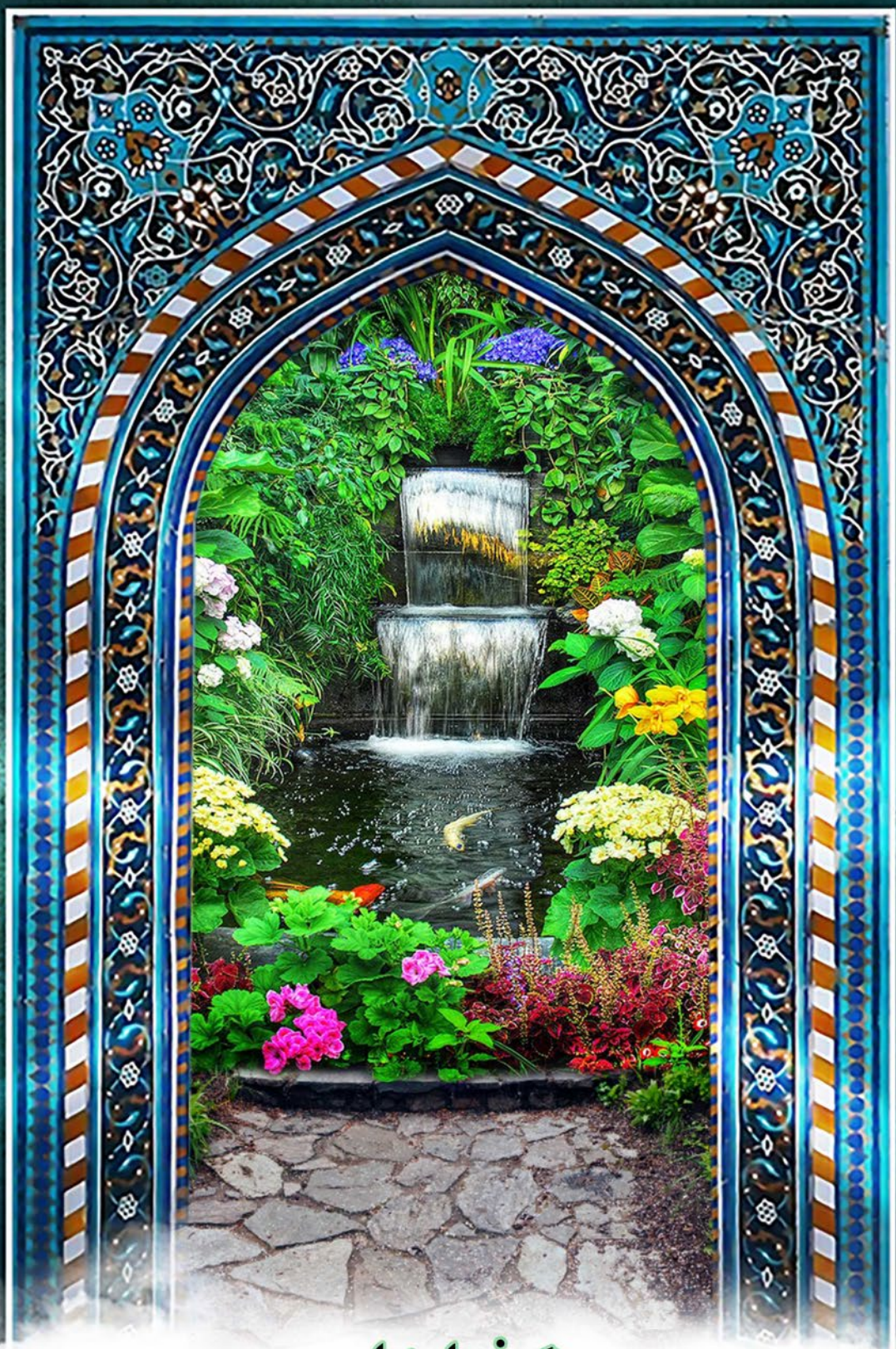




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

دو گفتار از آن جناب درباره‌ی حروف مقطعه در قرآن

۱. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمُنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَّاسَانِيَّ عَنِ الْحُرُوفِ الْمُقَطَّعَةِ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ: أَصَوَاتٌ مِنَ الْمَلَكُوتِ سَمِعَهَا النَّبِيُّ قَبْلَ انْتِظَامِ الْوَحْيِ! قُلْتُ: أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنَ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ! أَفَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَقْبَلَ رَأْسَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: از جناب منصور هاشمی خراسانی درباره‌ی حروف مقطعه در قرآن پرسیدم، پس فرمود: آوایی از ملکوت بود که پیامبر پیش از انتظام وحی شنید! گفتم: گواهی می‌دهم که تو از **راسخان در علم** هستی! پس آیا به من اذن می‌دهی که سرت را ببوسم؟ فرمود: آری، پس سرش را بوسیدم!

شرح گفتار:

مراد آن جناب از این گفتار شگرف آن است که گاهی وحی پیش از نظم یافتن کلمات و شکل گرفتن جملات، به صورت آوایی از ملکوت به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رسید و این می‌توانست نشانه‌ای از سنخ وحی و نزدیک بودن نزول سوره برای آن حضرت و ناشی از آزمودن اصوات توسط فرشته به منظور جلب توجه آن حضرت و اطمینان از درستی ارتباط باشد، مانند تلفن کننده‌ای که پیش از مکالمه «آلو» می‌گوید یا نوازنده‌ای که ساز خود را پیش از نواختن کوک می‌کند یا سخنرانی که بلندگوی خود را پیش از سخنرانی می‌آزماید؛ همچنانکه خواندن این آواها برای مردم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علاوه بر ابلاغ وحی به صورت کامل، برای ساکت کردن آنان و جلب توجه آنان به آیات بعدی در راستای عمل به امر خداوند بود که فرموده است:



﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱؛ «و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود پس به آن گوش سپارید و سکوت کنید باشد که آمرزیده شوید» و از این رو، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت درباره‌ی معنای آن‌ها پرسشی نمی‌کردند؛ چنانکه در حکمت دیگری از این عالم بزرگ رسیده است:

۲. أَخْبَرَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ السَّمَرَقَنْدِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: مَا يُرِيدُ اللَّهُ مِنْ قَوْلِهِ: الْف لامِ مِيمٍ؟ قَالَ: ذَلِكَ كَقَوْلِ أَحَدِكُمْ إِذَا يَتَكَلَّمُ بِالْمِجْهَارِ فَيَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ الْوَاحِدُ الْإِثْنَانِ الثَّلَاثَةُ لِيَعْلَمَ أَنَّ الصَّوْتَ بِالْعِ وَلِيَنْصِتَ السَّامِعُ! قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ سِرٌّ أَسْرَهُ اللَّهُ إِلَى النَّبِيِّ! قَالَ: لَوْ كَانَ سِرًّا لَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ لِلنَّاسِ؟ ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَهُوَ بَيَانٌ لِلنَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۲.

ترجمه‌ی گفتار:

ابو ابراهیم سمرقندی ما را خبر داد، گفت: به جناب منصور گفتم: مراد خداوند از اینکه فرموده الف لام میم چیست؟! فرمود: آن مانند سخن یکی از شماست هنگامی که با بلندگو سخن می‌گوید، پس پیش از آنکه سخن خود را آغاز کند می‌گوید: یک دو سه، تا بداند که صدا می‌رسد و تا شنونده سکوت (و توجه) کند! گفتم: آن‌ها می‌گویند آن رازی است که خداوند با پیامبرش در میان گذاشته است! فرمود: اگر راز بود خداوند آن را در قرآن نازل نمی‌کرد! آیا نمی‌دانند که قرآن برای همه‌ی مردم نازل شده است؟! سپس فرمود: هیچ چیز از آنچه خداوند در قرآن نازل کرده نیست مگر اینکه بیانی برای همه‌ی مردم است! خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «این بیانی برای همه‌ی مردم و هدایت و پندی برای پرهیزکاران است».

شرح گفتار:

ممکن است از ظاهر گفتار آن جناب برداشت شود که «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر سوره نازل نشده و این قول بسیاری از مسلمانان مانند ابو حنیفه، مالک، اوزاعی، داوود و قول قراء بصره و اکثر قراء و متفقهین مدینه در سده‌های نخستین است، بلکه برخی مانند جصاص (د. ۳۷۰ ق) مدعی اجماع سلف بر آن تا پیش از شافعی شده‌اند^۳ و مؤید آن اختلاف مذاهب درباره‌ی جزئیات آن در سوره‌هایی جز سوره‌ی نمل است که بر خلاف ضرورت یقینی بودن و اجماعی بودن آیات قرآن است، تا جایی که به اتفاق مذاهب، منکر هر یک از آیات قرآن کافر محسوب می‌شود، ولی منکر

۱. الأعراف / ۲۰۴

۲. آل عمران / ۱۳۸

۳. نگاه کنید به: احکام القرآن للجصاص، ج ۱، ص ۸.

«بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر سوره کافر محسوب نمی‌شود. از این رو، برخی اهل علم گفته‌اند: «يَكْفِيكَ أَتُّهَا لَيْسَتْ مِنَ الْقُرْآنِ اخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهَا وَالْقُرْآنُ لَا يُخْتَلَفُ فِيهِ فَإِنَّ انْكَارَ الْقُرْآنِ كُفْرٌ»؛^۱ «اختلاف مردم در آن کافی است تا بدانی که آن از قرآن نیست؛ چراکه در قرآن اختلافی وجود ندارد و انکار قرآن کفر است».

با این حال، حق آن است که گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، صریح در این معنا نیست؛ با توجه به اینکه ممکن است «بسم الله الرحمن الرحيم» یک بار بر پیامبر نازل و به او امر شده باشد که آن را در آغاز هر سوره قرار دهد و این جامع میان اقوال است؛ همچنانکه ممکن است «بسم الله الرحمن الرحيم» و حروف مقطعه هر دو نشانه‌ای از سنخ وحی و نزدیک بودن نزول سوره برای پیامبر بوده و به منظور جلب توجه آن حضرت و آزمودن آواها توسط فرشته و نیز ساکت ساختن مردم و جلب توجه آنان به آیات بعدی نازل شده باشند؛ خصوصاً با توجه به اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» برای کافران مانند حروف مقطعه غریب بوده، تا جایی که مشهور است سهیل بن عمرو نماینده‌ی آنان در صلح حدیبیه حاضر به نوشتن آن در صلح‌نامه نشد و گفت: «مَا نَعْرِفُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ «بسم الله الرحمن الرحيم را نمی‌شناسیم» و از پیامبر خواست که به جای آن «بِسْمِكَ اللَّهُمَّ» بنویسد؛^۲ همچنانکه از قرآن دانسته می‌شود که آنان «رحمن» را نمی‌شناختند؛ چراکه فرموده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ؟﴾؛^۳ «و چون به آنان گفته می‌شود که برای رحمن سجده کنید، می‌گویند که رحمن چیست؟!». بنابراین، «بسم الله الرحمن الرحيم» و حروف مقطعه در قرآن، تا حد زیادی برای آنان همگون بوده‌اند و از این حیث، می‌توانسته‌اند با هم و به منظور جلب توجه آنان -علاوه بر آغاز وحی و تلاوت آن با نام خداوند- نازل شده باشند.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر معصوم هاشمی خراسانی



۱. أحكام القرآن لابن العربي، ج ۱، ص ۶؛ الجامع لأحكام القرآن للقرطبي، ج ۱، ص ۹۳.
۲. نگاه کنید به: مسند أحمد، ج ۴، ص ۸۶؛ صحيح البخاري، ج ۳، ص ۱۸۱؛ صحيح مسلم، ج ۵، ص ۱۷۵؛ الكافي للكليني، ج ۸، ص ۳۲۶.
۳. الفرقان / ۶۰.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر معصوم هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.